

# از فرشگرد تا حزب ایران نوین؛ روایت یک انحراف، چندپارگی و بحران اعتماد

مقدمه

در بزنگاه تاریخی مبارزه ملت ایران علیه جمهوری اسلامی، بیش از هر زمان دیگری، نیاز به انسجام ملی، رهبری شفاف و اعتماد عمومی احساس می‌شود.

در چنین شرایطی، برخی پروژه‌های سیاسی که با شعار همگرایی آغاز شدند، نه تنها به این هدف نرسیدند، بلکه خود به نمونه‌ای از چندپارگی و بحران در اپوزیسیون تبدیل شدند. «فرشگرد» و سپس «حزب ایران نوین» یکی از این نمونه‌هاست.

فرشگرد؛ آغاز یک پروژه با ادعای همگرایی شبکه موسوم به «فرشگرد» در سال ۱۳۹۷ با انتشار بیانیه‌ای از سوی جمعی از فعالان سیاسی خارج از کشور اعلام موجودیت کرد.

در میان چهره‌های مطرح در این پروژه، نام افرادی چون نیک‌آهنگ کوثر، حامد شیبانی‌راد

و دیگر فعالان رسانه‌ای و سیاسی دیده می‌شد.

همچنین در برخی تحلیل‌ها و روایت‌های غیررسمی، از امیرحسین اعتمادی

به‌عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار در فضای فکری پیرامون شکل‌گیری این شبکه یاد شده است؛ هرچند این نقش به‌صورت

رسمی در قالب بنیان‌گذاری ثبت نشده و مسیر او نیز در ادامه از این جریان جدا شد.

ماهیت فرشگرد؛ شبکه‌ای بدون ستون فقرات تشکیلاتی فرشگرد خود را یک «شبکه» معرفی می‌کرد، نه حزب. این ویژگی در ابتدا به‌عنوان مزیت مطرح شد، اما در عمل به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف آن تبدیل گردید.

فعالیت‌های این جریان عمدتاً شامل:

تولید محتوا و فعالیت رسانه‌ای

صدور بیانیه‌های سیاسی

تلاش برای اثرگذاری بر افکار عمومی

بود، بدون آنکه ساختار تصمیم‌گیری شفاف و پاسخگو داشته باشد.

از اختلاف تا انشعاب؛ پایان یک پروژه

با گذشت زمان، اختلافات درونی در فرشگرد آشکار شد:

اختلاف بر سر خط مشی سیاسی

نحوه تعامل با جریان پادشاهی خواه

و نقش افراد در تصمیم‌سازی

این اختلافات در نهایت به فروپاشی عملی شبکه و خروج یا

سکوت بسیاری از اعضای اولیه انجامید.

تولد حزب ایران نوین؛ ادامه یا انشعاب؟

در دی‌ماه ۱۴۰۱، بخشی از اعضای فرشگرد، به‌ویژه

حامد شیبانی‌راد

اعلام کردند که فعالیت خود را در قالب «حزب ایران نوین»

ادامه خواهند داد.

این اقدام در واقع یک انشعاب از فرشگرد بود، نه تداوم طبیعی آن.

نام «ایران نوین» نیز تلاشی برای بهره‌گیری از یک میراث تاریخی بود، بی‌آنکه انسجام و مشروعیت مشابهی در عمل شکل گرفته باشد.

سرنوشت بنیان‌گذاران؛ پراکندگی یک جریان پس از این تغییر مسیر، سرنوشت اعضای اولیه متفاوت بود: افرادی مانند نیک‌آهنگ کوثر

از این پروژه فاصله گرفتند

برخی دیگر در قالب حزب جدید ادامه دادند و گروهی نیز عملاً از صحنه این جریان خارج شدند این پراکندگی، نشانه‌ای روشن از عدم انسجام ساختاری و فکری در این پروژه بود.

نقش و چالش‌های حامد شیبانی‌راد با شکل‌گیری حزب ایران نوین، حامد شیبانی‌راد

به‌عنوان دبیر نخست معرفی شد.

اما عملکرد و تصمیمات او، به‌مرور به یکی از محورهای اصلی اختلاف تبدیل شد، اختلافی که نهایتاً به سطح اسناد رسمی کشیده شد.

ویدئوی اخیر؛ تحلیل یا فرافکنی؟

در ویدئویی که از سوی او منتشر شده، تلاش شده عدم حمایت رسمی شرکای بین‌المللی از تیم

رضا شاه دوم

توضیح داده شود.

اما از نگاه منتقدان، این نوع تحلیل‌ها بدون پاسخگویی به بحران‌های داخلی، بیشتر به انتقال مسئولیت به عوامل بیرونی شباهت دارد.

سند رسمی حزب؛ نقطه پایان یک ادعا

بر اساس بیانیه رسمی کمیته مرکزی حزب ایران نوین  
(۴ اسفند ۱۴۰۴)،

عضویت

حامد شیبانی راد

لغو شده است.

در این بیانیه، به مواردی چون:

عدول از اساسنامه

ایجاد اختلال سازمانی

و خودداری از تحویل دارایی‌های حزبی (حساب‌های کاربری

شبکه‌های اجتماعی و سامانه اینترنتی حزب)

اشاره شده است.

تناقض آشکار؛ روایت در برابر واقعیت

در حالی که این سند از اخراج رسمی سخن می‌گوید،

روایت‌های رسانه‌ای حامد شیبانی راد همچنان تلاش دارند

تصویر متفاوتی ارائه دهند.

این شکاف، نشانه‌ای از یک بحران عمیق‌تر است:

فاصله میان واقعیت تشکیلاتی و روایت‌سازی سیاسی.

جمع‌بندی نهایی؛ درس‌هایی برای آینده  
مسیر «فرشگرد» تا «حزب ایران نوین»، یک هشدار جدی است:  
بدون شفافیت پاسخگویی و پایبندی به همگرایی ملی  
هیچ پروژه سیاسی حتی با بهترین شعارها به نتیجه نخواهد  
رسید.

در شرایطی که ملت ایران به یک آلترناتیو واقعی نیاز دارد، و  
تنها جریانی موفق خواهد بود که بتواند حول محور اعتماد  
ملی که امروز در وجود رضا شاه دوم  
متبلور شده است حرکت کند.